

۴۲ سالگی (ابن خلکان، ۲۶۱/۴) در حالیکه با نفطویه از عشق بدفرجام خود سخن می‌گفت، درگذشت. بدین سان، حلاج و ابن داوود هر دو بر سر عشق جان باختند؛ یکی بر سر عشق خدا، و دیگری، عشق انسان. با همه این احوال، تألیف کتابهای متعدد و نیز شغلی که ابن داوود بر عهده داشت، بر دانش و فضل او و حرمتی که میان مردم از آن برخوردار بود، دلالت دارد، اما متأسفانه مردم، چنان شیفته زهره او شدند که دیگر کتابهایش به دست فراموشی سپرده شد، چنانکه امروزه از ۱۴ کتابی که به او نسبت داده‌اند، حتی یکی هم بر جای نمانده است. شگفت آنکه پدر او که خود بنیان‌گذار مکتب ظاهری بود، کتاب فرزند خردسال را می‌خواند و او را از این آیین باز نمی‌داشت (صفدی، ۵۸/۳).

آثار: چنانکه گفته شد، همه آثار ابن داوود، بجز کتاب الزهره، از دست رفته است، بخش اول الزهره به کوشش لوئیس نیکل و با همکاری ابراهیم عبدالفتاح طوقان در ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲ م در بیروت، و بخش دوم آن به کوشش ابراهیم سامرای و نوری الهمیسی در بغداد به چاپ رسیده است.

آثار منسوب: ۱. الوصول الى معرفة الاصول، ۲. الانذار، ۳. الاعذار، ۴. الايجاز، ۵. الرد على ابن شرسير، ۶. الرد على ابي عيسى الضريير، ۷. الانتصار من ابي جعفر الطبري (ابن ندیم، ۲۷۲). مسعودی (۲۵۵/۸) سه کتاب اخیر را یک کتاب دانسته است. صفدی (۵۸/۳) هفت کتاب دیگر به نامهای: مختار الاشعار، البراعة، الانتصار (لایيه من الناسی المتکلم)، التتصی فی الفقه، الفرائض، المناسک و اختلاف مسائل الصحابة نیز به وی نسبت داده است که در دیگر مآخذ دیده نمی‌شود. افزون بر این او الايجاز را ناتمام دانسته است.

مآخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷ ق؛ همو، ذم الهوی، به کوشش مصطفی عبدالواحد، قاهره، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۲ م؛ ابن خلکان، وفيات؛ ابن حزم، علی بن احمد، طوق الحماة، به کوشش صلاح‌الدین القاسمی، تونس، ۱۹۸۵ م؛ ابن داوود، محمّد، التصف الاول من کتاب الزهره، به کوشش لوئیس نیکل و ابراهیم عبدالفتاح طوقان، بیروت، ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲ م؛ ابن فضل‌الله عمری، احمد بن یحیی، مسالک الاصبارة، به کوشش فؤاد سزگین، فرانکفورت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م؛ ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، حکم النظر الى النساء، به کوشش محمد عبدالرحیم، بیروت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م؛ ابن کثیر، البدایة؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابواسحاق شیرازی، ابراهیم، طبقات الفقهاء، بغداد، ۱۳۵۷ ق؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ ق؛ خوانساری، محمد باقر، روایات الجنات، تهران، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب ارنؤوط، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م؛ صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفایات، به کوشش س. دوریک، دمشق، ۱۹۵۳ م؛ مسعودی، مروج الذهب، به کوشش باریه دومنار، پاریس، ۱۸۷۱ م؛ یاقوت، ادبا؛ نیز:

Massignon, Louis, *La passion de Hallāq*, Paris, 1975; Nykl, A.R., Foreword to *Kitāb Al-Zahrāh* (ابن داوود در همین مآخذ)

محمد سیدی

ابن داوود حلی، ابو محمد حسن بن علی، ملقب به تقی‌الدین (۶۴۷ - بعد از ۷۰۷ ق / ۱۲۴۹ - بعد از ۱۳۰۷ م)، رجالی، فقیه و آدیب امامی. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. همین قدر

می‌دانیم که وی نزد دانشمندان بنام حله در آن روزگار، چون محقق حلی و جمال‌الدین احمد بن طاووس دانش‌آموخت (ابن داوود، الرجال، ۴۵، ۸۳). ابن داوود (همان، ۷ - ۸) از ابن جهیم اسدی (هم) نیز روایت کرده و امینی (۶/۶ - ۷) بدون ذکر مستند خود، نجیب‌الدین یحیی بن سعید حلی، خواجه نصیر طوسی و پدر علامه حلی، یوسف بن علی را نیز از مشایخ او دانسته است. ابن داوود همدرس غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس بوده (ابن داوود، همان، ۲۲۷) و از وی روایت نیز کرده است (مجلسی، ۱۲/۱۰۶ - ۱۳). ابن داوود (همانجا) به قرینه اینکه ابن طاووس را «بغدادی التحصیل» خوانده و از طرف دیگر گفته که تا هنگام مرگ قرین او بوده، احتمالاً مدتی نیز در بغداد اقامت داشته است. همچنین براساس بیتی از ارجوزه عقد الجواهر، او در ذیقعدة ۷۰۰ / ژوئیه ۱۳۰۱ در کاظمین بوده است. نیز در ارجوزه المنهج القویم، از نعمت مجاورت و زندگی در نجف یاد کرده است (نک: ابن داوود، سه ارجوزه، ۱۴۹، ۲۵۶). از روایان او، رضی‌الدین علی بن احمد مزیدی، زین‌الدین علی بن طراد مطار آبادی و تاج‌الدین محمد بن قاسم بن معینه در منابع یاد شده‌اند (شهید اول، ۷۷؛ حر عاملی، ۷۱/۲؛ مجلسی، ۱۹۶/۱۰۴، ۱۵۳/۱۰۵). به نقل از اجازات شهیدین، ابن داوود شهرت خود را مرهون کتاب الرجال است. البته آثاری نیز در فقه داشته و قدرت ادبی او نیز مورد ستایش جمعی از بزرگان قرار گرفته است (نک: مجلسی، همانجاها؛ افندی، ۲۵۴/۱). در کتاب الرجال، همان گونه که او خود در مقدمه آن (صص ۳ - ۴) متذکر شده، نخستین بار شیوه‌ای دنبال شده که در آثار رجالی شیعی متقدم نظیر ندارد و آن رعایت ترتیب حروف تهجی در ذکر نامهای رجال و پدر و جد ایشان است. علاوه بر این چون مؤلف به قصد انتخاب و جمع مطالب کتب رجالی متقدم، مانند آثار کشی، طوسی، نجاشی، ابن غضائری و دیگران، کتاب را تألیف کرده، به منظور اختصار برای هر یک از منابع رجالی و نیز هر یک از معصومین (ع) رمزی وضع کرده است. ابن داوود در این کتاب جز موارد اندکی از متأخرین پس از شیخ طوسی سخن نگفته است. شیوه او در رموز قراردادی، سرمشق دیگران در نوشتن آثار رجالی متأخر بوده است. بعضی از علمای شیعه چون پدر شیخ بهایی، رجال ابن داوود را بی‌نیازکننده از دیگر کتب رجال دانسته و برخی چون مولی‌عبدالله شوشتری به دلیل اشتباهات در نقل از متقدمین، آن را غیر قابل اعتماد دانسته‌اند. عده‌ای نیز راه میانه در پیش گرفته، آن را در ردیف سایر کتب رجالی قرار داده‌اند (نوری، ۴۴۲/۳). این اثر به گفته خود ابن داوود (الرجال، ۴۶) تا حد زیادی مرهون اشارات استادش احمد بن طاووس است که بر اهمیت آن می‌افزاید. البته شهرت عالم معاصر وی، علامه حلی و کتابش، خلاصة الاقوال، تا حدودی کتاب رجال او را تحت الشعاع قرار داده و این خود باعث عدم اقبال به کتاب وی گشته است. شاید وقوع پاره‌ای تصحیفات در کتاب وی و در نتیجه نسبت عدم ضبط به او، ناشی از عدم دقت ناسخان بوده باشد (برای توضیح

مأخذ: ابن داوود حلی، حسن بن علی، کتاب الرجال، به کوشش جلال الدین حسینی ارموی، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ همو، سه ارجوزه، به کوشش حسین درگاهی و حسن طارمی، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ افندی، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امینی، عبدالحسین، الفدیر، بیروت، ۱۳۸۷ ق؛ بحر العلوم، محمد صادق، مقدمه بر کتاب الرجال ابن داوود حلی، نجف، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۲ م؛ جامعه، خطی؛ حر عاملی، محمد بن حسن، اهل الأمل، به کوشش احمد حسین، بغداد، ۱۳۸۵ ق؛ شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، ۱۴۱۰ ق؛ شهید اول، محمد بن مکی، الاربعون حديثاً، قم، ۱۴۰۷ ق؛ کلیسی، ابوالهدی، سماء المقال فی تحقیق علم الرجال، به کوشش محمد علی روشانی، قم، ۱۳۷۲ ق؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م؛ مرعشی، خطی؛ مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، ۱۳۶۸ ش؛ نقشبندی، اسامه ناصر و عامر احمد قسطنطینی، المخطوطات الفقهية، بغداد، ۱۹۷۵ م؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۲۱ ق. محمد هادی مؤذن جامی

ابن داوود قمی، ابوالحسن محمد بن احمد بن داوود (ذذیحجه ۳۶۸ ق/ژوئیه ۹۷۹ م)، محدث و فقیه شیعی، در خاندانی اهل علم زاده شد. پدرش احمد بن داوود محدثی کثیر الحدیث بود که نجاشی (ص ۹۵) او را توثیق کرده است. مادرش خواهر محدث موقت سلامت بن محمد آرزنی بود که پس از ازدواج با احمد بن داوود همراه او به قم رفت و محمد در آنجا به دنیا آمد. ابن داوود چندی پیش از ۳۳۳ ق/۹۴۵ م رهسپار بغداد شد و در آنجا اقامت گزید و به تدریس حدیث پرداخت (همو، ۱۹۲، ۳۸۴). از گفته نجاشی (ص ۳۸۴) که او را شیخ و عالم شیعه بین قیام در زمان خود معرفی کرده، مرتبه علمی او دانسته می‌شود. همو از ابن غضائری نقل کرده که وی کسی را حافظ تر و فقیه تر و آشناتر به حدیث از ابن داوود ندیده بوده است (همانجا). ابن داوود بجز پدر و داییش سلامت بن محمد از افراد بسیاری از جمله محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، محمد بن یعقوب [کلینی]، ابن عقده و پدر شیخ صدوق روایت کرده است (نجاشی، ۳۵، ۶۰، ۸۲، ۱۹۲، ۴۵۵؛ طوسی، تهذیب، ۳۰۲/۱؛ در مورد دیگر مشایخ وی نک: نجاشی، ۵۰، ۹۷، ۳۷۳؛ طوسی، رجال، ۴۵۴؛ خویی، ۳۳۲/۱۴). علاوه بر پسرش احمد (طوسی، رجال، ۴۴۹) کسانی چون شیخ مفید، ابن غضائری، ابن عبدون، ابو غالب زراری و ابن نوح نیز از او روایت کرده‌اند (زراری، ۲۸؛ نجاشی، ۸۲؛ طوسی، فهرست، ۱۳۶). همچنین وی در ۳۶۰ ق به محمد بن عبدالله بن عبد الرحمن بن سمیع اجازه روایت داده است (ابن طاووس، عبدالکریم، ۱۴۰ - ۱۴۱). ابن داوود در بطحیه درگذشت و همانجا نیز دفن گردید. استخوانهای وی سپس به بغداد منتقل و در مقابر قریش دفن شد (ابن غضائری، ۱۰۴؛ نجاشی، ۳۸۵).

آثار: از تألیفات متعدد او تنها یک نسخه خطی از کتاب المزار باقی مانده است (آستان، ۵۱/۲) که احتمالاً همان کتاب الزیارات والفضائل است که ابن طاووس (علی) در اقبال (صص ۵۶۷ - ۵۶۸) از آن نقل کرده است. آثار منسوب به ابن داوود به گزارش نجاشی (ص ۳۸۴) عبارتند از: ۱. کتاب البیان عن حقیقه الصیام؛ ۲. کتاب الحدیثین المختلفین؛ ۳. کتاب الذخائر؛ ۴. کتاب الرد علی ابن

بیشتر در مورد این تصحیفات نک: کلیسی، ۹۲، ۹۴؛ بحر العلوم، ۱۸؛ شوشتری، ۶۳/۱.

آثار:

الف - جایی: ۱. الرجال: این کتاب یک بار در ۱۳۸۳ ق به کوشش سید جلال الدین محدث در تهران و بار دیگر در ۱۳۹۲ ق به کوشش محمد صادق بحر العلوم در نجف به چاپ رسیده است؛ ۲ - ۴. «ارجوزه فی الکلام»، «عقد الجواهر فی الاشباه والنظائر» و «المنهج القويم فی تسلیم التقدیم» که در یک مجلد تحت عنوان سه ارجوزه (نک: مأخذ همین مقاله) به چاپ رسیده است. «ارجوزه فی الکلام» (صص ۵۱ - ۱۰۱) منظومه‌ای است زیبا و بلند در ۱۴۵ بیت که ناتمام می‌نماید و با الفاظی موجز از اعتقادات کلامی شیعه سخن می‌گوید. در سه ارجوزه (صص ۱۰۳ - ۱۰۵) ۳۳ بیت از سرانده‌ای مجهول به چاپ رسیده که در همان مجموعه خطی که ارجوزه فی الکلام در آن یافت شده، موجود بوده و احتمال دارد قسمتی از بخش نهایی ارجوزه فی الکلام باشد؛ عقد الجواهر فی الاشباه والنظائر (صص ۱۸۳ - ۲۵۶) ارجوزه‌ای است فقهی که ابن داوود در شرح حال خود (الرجال، ۱۱۲)، با این نام از آن یاد کرده، ولی در نسخه جایی عنوان جواهر الکلام فی الاشباه والنظائر بدان داده شده است. ارجوزه با ۱۳۰۹ بیت در ۱۰ ذیقعد ۷۰۰/۱۷ ژوئیه ۱۳۰۱ در شهر کاظمین سروده شده است. گفتنی است که ابن داوود در این ارجوزه (ص ۲۵۶) وعده شرح آن را داده و شاید به این وعده عمل هم کرده باشد. به هر حال افندی (۲۵۷/۱) در ایروان کتابی با عنوان عقد الجواهر منتسب به ابن داوود و به خط کفعمی دیده که منظوم نبوده است؛ المنهج القويم فی تسلیم التقدیم (صص ۱۴۹ - ۱۷۳) ارجوزه‌ای است با ۲۰۱ بیت، مشتمل بر داستانی از مباحثه‌ای خیالی یا حقیقی پیرامون شایسته‌ترین فرد برای احراز مقام خلافت پس از پیامبر (ص) که در مجلسی از علمای مذاهب مختلف در شهر بغداد انجام گرفته است.

ب - خطی: ۱. التحفة السعدية که نسخه آن در کتابخانه موزه بغداد موجود است (نک: نقشبندی، ۲۳۲/۱). ۲. تحصیل المنافع در فقه که به گفته افندی (همانجا) شاید شرح شرائع یا شرح المختصر النافع محقق حلی باشد. از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانه روضاتی در اصفهان موجود است (جامعه، ۱۶/۱۳)؛ ۳. الجوهره فی نظم التبصرة، در فقه که دو نسخه از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی (ش ۵۰۹۰/۱، ۵۶۱۳) موجود است (مرعشی، ۲۸۵/۱۳، ۱۵/۱۵)؛ ۴. المقتصر من المختصر که نسخه آن در کتابخانه مجلس یافت می‌شود (نک: مدرسی، ۱۰۹). لازم به ذکر است که ابن داوود در شرح حال خود (الرجال، ۱۱۲ - ۱۱۳) علاوه بر آنچه یاد شده، از تعدادی آثار دیگر در فقه و عقاید و نحو و عروض و منطق یاد کرده که برخی از آنها منظوم است. همچنین به گفته افندی (۲۵۳/۱ - ۲۵۴)، سید حسین مجتهد عاملی رساله‌ای مشتمل بر روایاتی از ائمه (ع) به ابن داوود نسبت داده و از آن در کتابش، دفع المناوأة عن التفضیل والمساواة نقل کرده است.